بررسی جامعه شناختی سفرنامه ناصر خسرو

زکی، محمدعلی

ناصر خسرو در ماه ذیقعده سال 394 هجری قمری‏ و در قریه قبادیان بلخ به دنیا آمد و چون روزگاری دراز در مرو به سر برده،خود را مروزی هم خوانده است.او در 87 سالگی در سال 481 هجری قمری در یمگان‏ بدخشان درگذشت.

زندگی ناصر خسرو را می‏توان به سه دوره تقسیم‏ نمود: دورهء اول:از کودکی تا 42 سالگی است که از آغاز جوانی به تحصیل علوم مختلف همت گماشت و افزون‏ بر ادب فارسی با بیشتر علوم و معارف زمان خویش‏ چون حساب،هندسه،نجوم،طب،موسیقی،الهیات و تفسیر آشنا شد،قرآن را از حفظ کرد و اصول عقاید گوناگون(ملل و نحل)را بررسی نمود.وی در جوانی به‏ دربار امیران راه یافت و به مراتب عالی رسید.دربارهای‏ محمود و مسعود را دید و تا 42 سالگی به شغل دیوانی‏ و دبیری اشتغال داشت و در اعمال و اموال سلطانی‏ متصرف بود.پایان مرحله اول سفری است از شهر مرو در ربیع الاول 437 هجری قمری به پنج روستای‏ مرو الرود و جوز جانان که در شغل دیوانی یک ماه در آنجا ماند و به واسطه خوابی که دید بر آن شد از شغل‏ دیوانی کناره گیرد و سر انجام به آهنگ حج مرو را ترک‏ گفت.

دورهء دوم:آغاز و انجام سفر هفت ساله او که از تاریخ‏ 23 شعبان 437 هجری قمری آغاز و تا سه شنبه 26 جمادی الاخر 444 هجری قمری(6 سال و 7 ماه و 28 روز و طی 2207 فرسنگ)به طول انجامید.وی‏ در این سفر چهار بار خانه خدا را زیارت کرد و سه سال‏ در مصر به سر برد و با پیشرفت اقتصادی اجتماعی آن‏ دیار آشنا شد.

دورهء سوم:از 50 سالگی تا پایان عمر ناصر خسرو را شامل می‏شود.در این دوره در پی آشنایی و توجه به‏ مسایل دینی،سر انجام به مرتبه حجت نایل یافت که در سلسله مراتب و مدارج سیر اهل باطن،در مذهب‏ اسماعیلی،مرتبه سوم از درجات هفتگانه تلقی‏ می‏شود.در این مدت مأمور دعوت مردم به طریقه‏ اسماعیلیه شد و در بلخ داعیان و مبلغان و دعوت‏ کنندگان،به اطراف فرستاد.اما با مخالفت سلجوقیان‏ که حامی بغداد بودند و تکفیر پیشوایان متعصب‏ مذهبی رو به رو شد،بنا بر این از بلخ فرار کرد و به‏ مازندران که اسپهبدان آن شیعی مذهب بودند پناه برد و در آن منطقه فرقه خاصی از اسماعیلیان به نام‏ «ناصریه»را پدید آورد.

اهمیت«سفرنامه»از نظر محتوای تحقیق:

با مطالعه متن تحقیق می‏توان پی به اهمیت‏ «سفرنامه»ناصر خسرو برد.«سفرنامه»ناصر خسرو از دو جنبه کلی قابل توجه است.نخست:ابعاد ادبی‏ «سفرنامه»از آنجا که ناصر خسرو در درجه اول یک‏ ادیب و شاعر بوده است،متن«سفرنامه»به عنوان یک‏ سند معتبر در متون ادبی جهت نیل به نکات و ظرایف‏ ادبیات فارسی تلقی می‏گردد.و باید به عنوان یکی از منابع و شاهکارهای تاریخ ادبیات فارسی به آن نگریست.

جنبه دوم اهمیت«سفرنامه»،ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن است که عمده توجه این نوشتار بدین جنبه‏ خواهد بود و جزئیات آن بررسی خواهد شد.

با مطالعهء تاریخ روشن می‏شود که پیش از رسمیت‏ پیدا کردن علم جدیدی تحت عنوان جامعه شناسی‏ توسط آگوست کنت فرانسوی،مباحث اجتماعی میان‏ متفکران و اندیشمندان به اشکال متعدد مورد توجه‏ بوده و یکی از منابع تاریخ تفکرات اجتماعی،متون و آثار سفرنامه نویسان بوده است و این سفرنامه‏ها تا زمان کنونی نیز به عنوان مهمترین منابع مطالعه اوضاع‏ و احوال اجتماعی،سیاسی اقتصادی و فرهنگی‏ جوامع گذشته به شمار می‏روند.آنچه اهمیت سفرنامه نویسان مسلمان در مجموعه مباحث اجتماعی‏ را نشان می‏دهد،آن است که مسلمانان سیاح نخستین‏ پایه گزاران علم مردم شناسی و سیر و سیاحت بوده‏اند و دانشمندان عربی قرونی پس از آنها متوجه اهمیت‏ جمع آوری اطلاعات از طریق سیر و سفر شده‏اند.همان‏ گونه که عمده تحقیق دانشمندان غربی در قرون‏ وسطی در«سفرنامه»مارکوپولو مشاهده می‏شود. توجه دانشمندانی چون ابو ریحان بیرونی،ناصر خسرو،ابن بطوطه و...باعث ایجاد زمینه‏های پیدایش‏ علم نوینی تحت عنوان مردم شناسی(علم مطالعه‏ فرهنگ)گردید و افزون بر آن در مطالعات‏ جامعه شناسی نیز به عنوان اطلاعات مفیدی از پژوهشهای آنها یاد می‏شود.

اهمیت«سفرنامه»از نظر روش تحقیق:

یکی از ابعاد اهمیت«سفرنامه»ناصر خسرو توجه به‏ نکات روش شناسی تحقیق می‏باشد که به طور خلاصه‏ عمده‏ترین موارد آن را می‏توان به شرح زیر اشاره کرد.

-تأکید بیش از حد در تکنیک مشاهده در مطالعات‏ فرهنگی و مردم شناسی:یکی از روشهای تحقیق در علوم اجتماعی،روش میدانی است که در این روش‏ محقق در میدان تحقیق حضور داشته و با ملاحظه‏ موضوعات اقدام به تحقیق می‏نماید.ایده جهانگردان‏ مسلمان،به ویژه ناصر خسرو توجه به انجام مطالعات‏ میدانی و مشاهده مباحث و موضوعات اجتماعی و فرهنگی از نزدیک بوده است.

-توجه به اصل واقع نگری در تحقیق:اساس هر گونه‏ پژوهش اجتماعی،دیدن و بیان موضوعات تحقیق است‏ به همان حالت واقعی که وجود دارند.رعایت اصل‏ عینی نگری واقع گرایی موجب آن می‏شود که‏ پدیده‏های اجتماعی و فرهنگی را بدون افراط و تفریط مورد مطالعه قرار داد.

-اصل تنوع و تعدد:تحقیق ناصر خسرو بیانگر آن‏ است که پژوهشگر در انجام تحقیق خود به ابعاد گوناگون و مختلف موضوع تحقیق عنایت داشته باشد اگر چه حجم سفرنامه کم بوده ولی محتویات آن گویای‏ مباحث متعدد و متنوع است.

-اصل ایجاز و خلاصه گویی:نکته مهم روش شناسی‏ تحقیق ناصر خسرو آن است که او به اصل مباحث‏ پرداخته و از اطاله کلام جلوگیری کرده است به‏ گونه‏ای که خواننده با مطالعه متن متوجه عمق‏ موضوعات شده دچار خستگی نمی‏شود.

-در موارد بسیاری ناصر خسرو اعتراف می‏کند که‏ بیان فلان موضوع از حد و حصر محقق خارج است و حق مطلب ادا نگردیده است و اعتراف به این مطلب‏ یکی از اصول تجزیه و تحلیل داده‏های تحقیق است.

-در بسیاری از موارد ناصر خسرو مطالب را به‏ گونه‏ای بیان می‏کند که خواننده متوجه می‏شود که‏ ارائه آنها از طریق نقل قول و استناد به گفته دیگران‏ است و تفکیک مطالب خود نکته دیگر روش شناسی‏ تحقیق می‏باشد.

-اصل دقت و ظرافت و نکته سنجی در بیان‏ موضوعات تحقیق مثل ساخت شهرها،روز ورود و خروج از مکانهای مهم،...

-بیان انگیزه تحقیق که ناصر خسرو به واسطه خواب‏ دیدن با توکل به خداوند قصد سفر به سوی مکه‏ می‏کند.

مراحل مسافرتهای ناصر خسرو

مرحله اول:اشتغال به شغل دیوانی

مرو-پنج دیه-جوزجان-شبورغان-فاریاب- مرو الرود

مرحله دوم:سفر اول حج پس از استعفا از شغل‏ دیوانی: مرو-سرخس-نیشابور-قومس-دامغان-سمنان‏ -ری-قزوین-خرزویل-سراب-تبریز-مرند-خوی‏ -وان-وسطان-اخلاط-بطلیس-ارزن-میافارقین- آمد-حران-سروج-منبج-جلب-سرمین- معرة النعمان-حماة-عرقه-طرابلس-طرابرزن- جبیل-بیروت-صیدا-صور-عکه-حیفا-قیساریه- رمله-بیت المقدس-مکه

مرحله سوم:بازگشت از مکه به بیت المقدس

مرحله چهارم:سفر به مصر: بیت المقدس-رمله-عقلان-تنیس-قاهره- اسکندریه-قیروان

مرحله پنجم:سفر دوم حج: قاهره-قلزم-جار-مدینه-مکه

مرحله ششم:بازگشت به مصر(قاهره): مکه-مدینه-قلزم-قاهره

مرحله هفتم:سفر سوم حج: قاهره-قلزم-جار-[مدینه‏]-مکه

مرحله هشتم:بازگشت به مصر:مکه-[مدینه-جار -قلزم‏]-قاهره

مرحله نهم:سفر چهارم حج: قاهره-اسیوط-اخمیم-قوص-اسوان-عیذات- جده-مکه

مرحله دهم:بازگشت به بلخ: مکه-طایف-یمامه-هجره-ابله-عبادان- مهروبان-ارجان-اصفهان-نایین-طبس-تون‏ (فردوس)-قاین-سرخس-مرو الرود-فاریاب-بلخ.

مروری بر مباحث جامعه‏شناسی«سفرنامه»:

چنان که اشاره شد یکی از ابعاد اهمیت تحقیق‏ ناصر خسرو توجه به طرح مباحث اجتماعی فرهنگی‏ است که در این قسمت به برخی عناوین آنها اشاره‏ می‏شود.

با مطالعه«سفرنامه»درمی‏یابیم که شیوه نگارش آن‏ از سوی ناصر خسرو به طریقی خاص بوده است به این‏ ترتیب که او همگام با مسافرت و اقامت در هر محیط و مکانی اطلاعات تحقیق خود را به نگارش در می‏آورده، اما این شیوه تحقیق مشکلاتی را برای جمع بندی و نتیجه گیری،به ویژه با تکیه بر موضوعات و محورهای‏ اصلی ایجاد می‏کند.هر موضوع اگر بنابر بیان شواهد باشد خود نیاز به تحقیق مفصل دیگری دارد که در این‏ مقال نمی‏گنجد.توجه محقق آن است که به موضوعات‏ و مباحث عمده جامعه شناسی که در«سفرنامه»آمده‏ اشاراتی داشته باشد اگر چه پراکنده‏گویی و شیوه‏ نگارش مشکلی را جهت نیل به آن هدف ایجاد می‏کند.

بنا بر این به بیان موضوعات اصلی و فهرست مباحث در هر قسمت می‏پردازیم.

1-ساختار فرهنگی:در موارد متعددی ناصر خسرو به مباحث فرهنگی می‏پردازد که فهرست برخی از مهمترین آنها به قرار زیر است:بیان ملاقات با علما و دانشمندان و فرزانگان و ویژگیها و مراتب علمی‏ و پایگاه اجتماعی آنان در جامعه؛بیان و یاد آوری‏ مراسم و آداب و رسوم در مناطق گوناگون؛بیان و معرفی فقها و قاضیان و نظام دادگستری و اهمیت‏ پایگاه اجتماعی قضات؛بررسی مفصل آداب و مراسم‏ حج با تأکید بر شهرهای مکه و مدینه؛بیان مکانهای‏ مقدس(محل شهادت علما و انبیا و...)؛بررسی و معرفی فضاهای عبادی با تأکید بر ساخت دینی(معابد مسلمانان،یهودیان و مسیحیان)تشریح مراسم نماز جمعه و اقامه نمازهای جماعت توأم با بررسی نقش و کار کرد مسجد در شهرهای اسلامی به ویژه مساجد جمعه(جامع)؛بررسی مبادلات و انتقالات فرهنگی به‏ خصوص در زبان و آداب و رسوم با تأکید بر مناطق‏ جغرافیایی و مرز شهرهای اسلامی و روم؛بررسی مفصل‏ نقش مذهب در ساختار شهرها با تأکید بر شهرهای‏ دینی مکه و مدینه و بیت المقدس؛بیان نظام آموزشی‏ مراکز علمی و اهمیت کسب علم و شناخت در جامعه‏ اسلامی.معرفی گرایشهای دینی مردم در مناطق‏ گوناگون،بررسی مفصل ابعاد و وجوه گوناگون نقش و اهمیت لباس و پوشاک در جوامع اسلامی جهت تولید انواع لباسهای متنوع و تأثیر آن بر موضوع صادرات‏ مانند دستار-طوق-نعلین-زیلو،خلعت-دیبا- زربفت-قواره-پارچه چند رنگی بوقلمون-فوطه‏ (لباس هندی)و...

2-ساختار سیاسی:با توجه به مدت زمان سفر ناصر خسرو ملاحظه می‏شود که بخش عمده‏ای از جهانگردی وی اختصاص به کشور مصر داشته است و دقت و تفصیل نکات مختلف در این باره گویای اهمیت‏ ناصر خسرو به کشور مصر بوده است که با توجه به‏ مباحث متعدد،در این قسمت به طور خلاصه به‏ شواهدی در زمینه معرفی نظام سیاسی اشاره می‏شود.

معرفی امرا و سلاطین با توجه به سلسله نسب و نام و عنوان؛ذکر ابعاد مشروعیت سیاسی برخی سلاطین‏ تحت عنوان اینکه مثلا فلانی امیر شریفی است؛ یادآوری از پیشینه دینی امرا و نقش پیوند دین و سیاست با این مثال که فلان سلطان علوی است و...؛ معرفی نظام اداری مانند دیوان،نواب یا قائم مقام، وکیل یا کارتزار،رایزن یا مشاور؛معرفی نقش نخبگان‏ در ساخت سیاسی(خواص یا برگزیدگان)،معرفی ابعاد ظاهری سلاطین مثل لباس و پوشش و خیمه و منازل‏ آنها.

البته چنان که اشاره شد میزان توسعه اقتصادی‏ اجتماعی در کشور مصر آن چنان مورد توجه ناصر خسرو بوده که به صورت تفکیک و مفصل به ابعاد گوناگون آن پرداخته است که جزئیات این موضوع را می‏توان در مباحث دیگر اشاره کرد.

نظام مالیاتی:یکی از عمده‏ترین کارکردهای ساختارهای سیاسی اخذ و جمع آوری مالیات از مناطق‏ مختلف کشورها بوده است که ناصر خسرو در موارد متعدد به این موضوع اشاراتی داشته است که از آن‏ میان برخی مفاهیم را به کار برده است مثل خراج یا صراف،باجگاه،قباله(سند مالکیت)،خزانه.

نظام تجاری و بازرگانی:بخشی عمده از کار کرد نظام سیاسی توجه به تقویت و گسترش نظام تجاری و بازرگانی و توسعه صادرات و واردات،تقویت نظام‏ معاملاتی و مبادلاتی بوده است که ناصر خسرو این‏ موضوعات را به اشکال بسیار ظریف و حتی جزئی و ریز اشاره نموده است.مثل گسترش فعالیتهای تجاری در شهرهای بندری،بیان موارد صادرات و واردات نقاط مختلف،معرفی واحدهای معاملاتی و سنجش مثل گز، ذراع،ارش،مبلغ،درهم،قنطار.تشریح اهمیت امنیت‏ سیاسی در نظام معاملات به ویژه در کشور مصر، معرفی مواد مورد استفاده در داد و ستد مثل عسل، انگور،ماهی،سرب،مروارید.وجود نظام عهد و پیمان‏ در مسایل تجاری تحت عنوان سجل و...

ساختار نظامی:در طول تاریخ بخش عمده‏ای از پیدایش و تداوم نظامهای سیاسی به ساخت نظامی‏ آنها مربوط بوده است که ناصر خسرو به مسایلی در این‏ باره می‏پردازد.نقش و بیان جغرافیای سیاسی در موقعیتهای مهم استراتژیکی شهرها،بیان اعداد و امکانات نظامی در برخی موارد،معرفی تکنولوژی‏ نظامی در مناطق گوناگون مثل عراده،منجنیق، جوشن،ارابه،جکگا.بررسی و معرفی سازمان نظامی‏ ارتش در مناطق گوناگون تحت عناوین فسطاط (پادگان)،معسگر(محل تجمع سپاهیان)،مقاتلات‏ (محل جنگ)و...

ساخت شغلی و حرفه‏ای:با توجه به تنوع مشاغل‏ در شهرهای مختلف ناصر خسرو به بیان و معرفی‏ مشاغل،حرف و صنایع گوناگون اشاره می‏نماید و افزون بر معرفی به بیان پایگاه اجتماعی آنان نیز پرداخته است.مشاغلی مانند عطاری،سفالگری، شیشه سازی،باربری،نقاشی،ماهیگیری،نجاری، طلا کاری،منبت کاری،کاغذ سازی،کفاشی،عطر سازی، غواصی،نساجی،حصیر بافی،جواهر فروشی،صرافی و ...

نظام زراعی و کشاورزی:از آنجا که در گذشته(به‏ ویژه زمان ناصر خسرو)توجه خاص به فعالیت‏ کشاورزی و زراعی می‏شده است،در موارد زیادی وی‏ به معرفی نوع کشت،محصولات،میزان کیفیت و نوع‏ زمینهای کشاورزی می‏پردازد از جمله به کشت‏ خشخاش،گندم،پسته،نیشکر،نارگیل و...اشاره‏ دارد.

3-ساختار اقتصادی:با تأکید بر تشریح مباحث‏ مربوط به نظام مالیاتی و تجاری بازرگانی،انواع حرف و مشاغل،اهمیت فعالیتهای کشاورزی و زراعی تصویری‏ جامع نسبت به ساختار اقتصادی کشورهای اسلامی به‏ دست می‏آید که برخی موارد مربوط به معادن و فلزات‏ را می‏توان بدان مباحث افزود.مثل معادن مرمر، عقیق،یاقوت،زبرجد،شیشه،زر و طلا،گوگرد و نقره.

4-جامعه شناسی شهری و شهرنشینی در خاور میانه: با توجه به مسیر مسافرت ناصر خسرو به خوبی و به‏ روشنی تصویری کامل درباره ساخت اجتماعی‏ کشورهای اسلامی به دست می‏آید و افزون بر آن‏ موضوع،مبحث دیگری که به صورت مکرر و برجسته در «سفرنامه»مشهود و بارز است،بررسی زندگی شهری‏ در ملل اسلامی است که در مباحث جغرافیای شهری و جامعه شناسی شهری بسیار مفید و مهم تلقی می‏شود ولیکن از آنجا که مباحث مذکور به شکل پراکنده و بسیار زیاد ارائه شده است،در این باره به صورت‏ خلاصه اشاره خواهیم کرد.

«ن.پ.چیست و س.ف.فاوا در کتاب خود به نام‏ «جامعه شهری»تحقق سه شرط را برای ارتقای هر نقطه‏ای از سر زمین به مکان شهری و پیدایش و رشد شهرها الزامی می‏دانند.این سه شرط عبارتند از:1- مساعدت محیط طبیعی یا محیطی گشاده دست و پر برکت 2-درجه‏ای از تکامل دانش فنی 3-سازمان‏ اجتماعی مبتنی بر تقسیم کار».(1)

شهرنشینی یکی از سه رکن اساسی ساختار اجتماعی خاور میانه تلقی می‏شود(دو رکن دیگر عبارتند از کوچ نشینی و روستانشینی)و با توجه به‏ نظریات متعدد دریافت می‏شود که«ترکیب سه عامل‏ سیاسی(پدید آمدن حکومت متمرکز با ارتش حرفه‏ای‏ و نظام اداری وسیع)و عامل اقتصادی(تجارت در مسیرهای دور و تجارت دریایی)و عامل مذهبی، زمینه ساز پیدایش شهرهای بسیاری در منطقه‏ خاور میانه گردید».(2)

با تکیه بر نکات بالا به خوبی روشن می‏شود که ناصر خسرو به عوامل سه گانه پیدایش شهرها در منطقه‏ خاور میانه توجه داشته است و در موارد گوناگون به‏ ابعاد فوق اشاره کرده است.نخست نقش عوامل‏ محیطی و اکولوژیکی که«سفرنامه»را به مباحث‏ جغرافیای شهری بسیار نزدیک می‏کند؛دوم میزان‏ دانش فنی که در سفرنامه به صورت خلاصه از آن‏ سخن به میان آمده؛سوم سازمان اجتماعی تقسیم کار که با توجه به مباحث پیشین در خصوص نظام شغلی و تجاری به خوبی گویای تقسیم کار در شهرها بوده است‏ و افزون بر آن عوامل سه گانه سیاسی(مکان استقرار سلاطین و نظام اداری)عوامل اقتصادی(مشاغل‏ حرف بازار و بازرگانی)و عامل مذهبی که در مفاهیم‏ سلطان،بازار و مسجد خلاصه می‏شوند،ناصر خسرو آنها را به عنوان عوامل سه گانه پیدایش و توسعه‏ شهرنشینی در خاور میانه می‏داند.

پی نوشت:

(1)-کاستللو،1368:6

(2)-همان:12